



۲۰۱۹/۰۴/۱۰

عبدالقیوم میرزاده

سُرنا و غوغای غرب دقیقاً مخالف منافع ملی کشور ما سیر دارد



از آغاز گماشته شدن آقای زلمی خلیل زاد نماینده وزارت خارجه امریکا برای (صلح افغانستان) و پخش اخبار این مذاکرات در مطبوعات تقریباً همه رسانه های غربی خاصاً بی بی سی، صدای امریکا، صدای آلمان و سایرین تلاش دارند برای اغوای مردم و فریب اذهان عامه اقدامات مدبرانه دولت افغانستان را در قبال مذاکرات زلمی خلیل زاد با طالبان و اقدامات پاکستان که همه در راستای منافع ملی کشور از جانب دولت افغانستان راه اندازی میگردد رنگ و صبغه دگر داده و آنرا شیدانه اقدامات شخصی رئیس جمهور برای دوام قدرت خودش تداعی میکنند. که سوگمنده عده از مفسرین داخلی نیز بدون دقت و ژرف نگری مسایل در راستای منافع ملی زیر دیکته این اغوا گران به تفسیر های مشابه رسانه های غربی پرداخته آب به آسیاب دشمن میریزند. ببایید به نظریات، اقدامات و رویکرد های دولت افغانستان در قبال مذاکرات آقای خلیل زاد با طالبان و شراکت مداخله گرانه پاکستان با این پروسه بنگریم و بعد از تحلیل آن ببینیم که به کدام استنباط میرسیم:

رئیس جمهور افغانستان در بیانیه ای به مناسبت گفت و گوهای آقای خلیل زاد نماینده وزارت خارجه امریکا با طالبان، از گروه طالبان خواست که با دولت افغانستان مذاکرات جدی را آغاز کنند، چرا که این کشور به صلح فوری ولی باتدبیر نیازمند است. رئیس جمهور همچنان در رابطه با مذاکرات خلیل زاد بیان داشت که تعهد ما این است که صلح را تأمین کنیم و جلو هر گونه فاجعه احتمالی و فرو پاشی سیستم را بگیریم. من به عنوان رهبر افغانستان از نقش فعلی منطقه و جهان آگاهی کامل دارم و این را هم خوب میدانم که خطرات و تهدیدات احتمالی بعد از توافقات صلح کدام ها اند. او خطاب به طالبان گفت از برنامه های شوم بیگانگان خارج شوید، اراده افغانی خویش را تمثیل کرده به خواسته های افغان ها لبیک بگویید.

رئیس جمهور داکتر اشرف غنی در صحبت دیگری گفت ارزش هایی وجود دارند که غیر قابل بحث اند، منافع ملی کشور، وحدت ملی، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، دولت مرکزی قوی و رعایت حقوق اساسی اتباع از جمله ارزش هایی اند که غیر قابل انکار و غیر قابل سازش بوده و تحت هیچ شرایطی نمیتواند مورد معامله قرار گیرند که روابط افغانستان با شرکای بین المللی و منطقوی بر همین اصل یعنی منافع ملی کشور استوار میباشد.

رئیس جمهور داکتر اشرف غنی در جای دیگر در صحبتی بیان داشت من در برابر سرنوشت ۳۵ میلیون افغان مسئولیت تاریخی دارم تا ضمانت مطمئن برای صلح پایدار وجود نداشته باشد، این صلح نیست بلکه تسلیمی است. ما برای صلح به هر قربانی حاضریم اما تسلیم کسی نمیشویم.

رئیس جمهور در جای دیگر به صراحت بیان داشت که منابع تمویل و تجهیز طالبان و نقش پاکستان در زمینه به بحث ملی و همگانی گذاشته شود. همچنان رئیس جمهور به طالبان پیشنهاد مسؤلانه ارائه کرد که آتش بس برقرار گردد و گفتگوی مستقیم با

دولت آغاز گردد و در صورت توافق زمینه این مذاکرات را دولت فراهم میگرداند. اگر مذاکرات دوحه روی مسئله جنگ در افغانستان صورت میگیرد پس طالبان با دولت افغانستان بایست مذاکره کنند و اگر آنها حاضر نیستند با ما مذاکره کنند پس ما اصرار نداریم بلکه از خاک و سرزمین خویش دفاع میکنیم.

این بود مختصر گوشه ای از بیانات رئیس جمهور افغانستان در قبال مذاکرات نماینده امریکا با طالبان و حالا توجه بفرمایید به نظریات مردم افغانستان که در جریان نظرسنجی های مختلف از جانب مؤسسات غیر دولتی در کشور انجام پذیرفته است:

بربنیاد یک نظر سنجی که از سوی روزنامه هشت صبح و مؤسسه تحصیلات عالی خورشید با اشتراک ۳۷۱۷ اتباع افغانستان در یازده ولایت این کشور انجام شده است ۵۶/۱ درصد مصاحبه شونده گان بصورت جدی خواهان آن اند که طالبان قانون اساسی کشور را پذیرفته و به زنده گی ملکی رو بیاورند. در همین حال ۶۰ درصد مصاحبه شونده گان طالبان را گروه تروریستی و مزدوران خارجی گفته اند، ۱۴ درصد طالبان را عامل ویرانی، ۱۴/۸ درصد این گروه را عامل خدشه دار ساختن باور های دینی مردم دانسته اند. ۷۴/۷ درصد اشتراک کنندگان از اقدامات دولت افغانستان و نیروهای امنیتی افغان راضی و ۱۶/۸ درصد ناراض بوده اند. همچنان طی یک نظر سنجی دیگر جوانان چنین دیدگاهی را ارائه کرده اند: ما نگرانیم، چون شهروندان مسئول هستیم. حقوقی را که در دوره های مختلف برای به دست آوردن آن مبارزه کرده ایم در زمان حاضر، حداقل تمرین می کنیم. گروه طالبان در زمان زمامداری شان به این حقوق واقعی نگذاشتند. آنان جایگاه رفیع کرامت انسانی را که در اسلام هم به آن بسیار تأکید شده است به رسمیت نشناختند. امروز هم تغییری در آن موضع دیده نمی شود. بنابراین یک تعارض جدی بین طالبان و پاسداران حریم حقوق شهروندی وجود دارد. همچنان در این نظرسنجی زنان به این باور اند که هر گونه توافق سیاسی باید مشارکت و سهم زنان را در بازسازی به رسمیت بشناسند، نه اینکه مانند گذشته بال پرواز زنان در عرصه های مختلف زندگی بریده و آن ها به حاشیه سقوط داده شوند. نمی توان به این مذاکرات امریکا با طالبان زیاد خوشبین بود، چرا که گروه طالبان دستاوردها و آزادی زنان را برخلاف ارزش های اسلامی می پندارند. بسیاری از زنان خوشبینانه به این مذاکرات نگاه نمی کنند، خاصاً برای زن هایی که در دوران پس از حاکمیت طالبان توانسته اند به آنچه که آرزو داشتند، دست یافته اند. تنها با پیوستن یک و یا چند گروه مخالف نمی شود خوشبین به تامين صلح دایمی بود. به نظر گروه های زنان و جوانان زمانی صلح نسبی در افغانستان برقرار خواهد شد که از یک طرف، فکر طالبانی جامعه را تغییر دهیم و از جانب دیگر همگرایی را در سطح منطقه و جهان در رابطه به افغانستان بوجود بیاوریم. بدون در نظر داشت این موارد هرگونه چانه زنی می تواند تامين کننده اهداف گروه ها و یا دولتی هایی باشد که سال ها دست به دهشت و وحشت زدند و حالا می خواهند که دستاوردها و ارزش های اساسی افغانستان را به معامله بگیرند. در گزارش یک نظر سنجی دیگر از سال های قبل که از جانب چندین سازمان بین المللی چون مجتمع جامعه مدنی افغانستان ACSF شبکه حقوق بشر، جامعه مدنی افغانستان ACSHRN، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان AIHRC، اتحادیه ملی کارکنان افغانستان AMCA، سازمان حقوق بشر و محیط زیست افغانستان AOHREP، شبکه زنان افغانستان AWN، مرکز انکشاف مهارت های زنان افغان AWSDC، سازمان اجتماعی فرهنگی جوانان افغانستان AYSCO، مرکز توسعه جامعه مدنی CSDC، مرکز انکشاف و آگاهی مردم سنایی SDO، گروپ هماهنگی عدالت انتقالی TJCG، بنیاد آرمان شهر و مشارکت سیاسی زنان کمپاین WPPC که تقریباً در تمام افغانستان راه اندازی شده آمده است " در تمام ۷۸ مباحثی که در تمام حصص افغانستان براه افتاد، افغانها اعم از زن و مرد به آنچه که مهمترین اجزای صلح با ثبات گفته میشود، پرداختند. آنها بیان داشتند که وخیمتر شدن اوضاع امنیتی، بی عدالتی و نبود حاکمیت قانون، فقدان انکشاف اقتصادی، فساد گسترده در بین ادارات دولت و مقامات تنفیذ قانون، کیفیت پایین ارایه خدمات مانند معارف و صحت، بیکاری گسترده، حمایت ناچیز از رعایت حقوق بشر و حقوق زنان، تبعیض، یکجا با مداخله کشورهای خارجی در امور داخلی افغانستان به ویژه کشورهای همسایه عوامل عمده تداوم جنگ و بیثباتی در افغانستان میباشد. مردم قویاً اظهار داشتند که دولت نیازمند است تا این عوامل را به حیث اجزای اساسی برای رسیدن به صلح پایدار در نظر گیرد. یک خاتم خانه از ولایت کندهار احساس عمومی

را تبارز داد که تقریباً در همه گفتگوها به آن اشاره شده است: صلح بمعنی کشتن مردم بیگناه و سوء استفاده از منابع این کشور نیست. صلح بمعنی کار کردن، دست بدست دادن تمام مردم با هم یکجا، زن با زن... پاکستان با افغانستان، بین المللی و ملی و برادر با خواهر است. همه یکجا کار کنند تا کشور را بسازیم و سخت بکوشند تا معارف، اقتصاد و صحت را ارتقا دهند. مردم به آنچه که ریشه های جنگ تصور میگردد تمرکز داشتند. برنامه هایی که به این عوامل رسیدگی نمایند همچنان پلان یا اهدافی برای آینده پروسه صلح ترسیم شود، چنانچه یک معلم از ولایت کابل گفته است: "جنگ در افغانستان مانند یک آفت مزمن است، هرگاه یک داکتر علت مریضی را نفهمد این مشکل خواهد بود تا آنرا تداوی کند. نخست ما باید علل و ریشه های جنگ را بدانیم، فقط در آنصورت قادر خواهیم بود تا راه حل را پیدا کنیم و تنها در آنصورت صلح خواهد آمد." هر چهار اجزاء و یا پایه های یک صلح پایدار توسط تمام افغانها اعم از مرد و زن و جوان در گفتمان مردم مفصلاً ذیلاً بیان گردیده که شامل: ایجاد امنیت، برخورد در برابر فساد، بیعدالتی و فقدان حاکمیت قانون، واقعبینی انکشاف اقتصادی و عدالت اجتماعی و ترویج و حمایت از حقوق بشر، بشمول حقوق زنان، میباشد. " اگر ملت ما چنین می اندیشد که ما در فوق مشث نمونه خروار اراییه کردیم و مردم اعم از زن و مرد خواسته های برحق شان را همان گفته اند که رئیس جمهور طی بیاناتی به مناسبت های مختلف اما همه در قبال مذاکرات نماینده وزارت خارجه امریکا با طالبان ایراد کرده اند. پس کجایی از این بیانات غرض تداوم قدرت شخصی رئیس جمهور نشانی گردیده است؟

بنأ به این نتیجه میرسیم که خواست برحق مردم ما در گام نخست ختم جنگ و تأمین امنیت سراسری و ایجاد فضای زنده گی آرام میباشد اما این خواست را مردم نه به قیمت تسلیمی خویش و سپردن سرنوشت خویش به پاکستان و نیرو های متحجر بنیاد گر طالب که آنها همه بدون استثناً مخالف همه آزادی های انسانی و حقوق زنان هستند، میباشند. اما اینکه رسانه های غربی و مفسرین داخلی شان چرا مسئله را سرچپه تبلیغ میکنند پُر واضح است، رسانه های غربی تقریباً همه در زیر دیکتات ایالات متحده امریکا و کمپنی های بزرگ که به نحوی از انحا در این استراتژی ها سرمایه گذاری کرده اند، قرار دارند. در باره مفسرین داخلی که در راستای تبلیغات رسانه های غربی بر خلاف منافع ملی و خواست مردم تفسیر هایی مینگارند گرچه تعداد شان بسیار اندک است بیشتر متعصبین قومی، زبانی و آنهایی که افکار تفرقه افکنانه قومی و زبانی را نشخوار میکنند شامل میگردد. این عناصر به دستور بیگانه گان و یا نا آگاهی از منافع ملی در چنین لحظات سرنوشت ساز کشور هم به تبلیغات خصمانه مبادرت ورزیده و بزعم خود شان از اتحاد مردم جلوگیری میکنند. اما خوشبختانه امروز مردم ما از آگاهی بیشتر برخوردار اند و قدرت تشخیص شان بهتر گردیده است و همچنان فضای بین المللی نیز بر خلاف خصم افغانستان سیر میکند. نمایندگان اتحادیه اروپا تقریباً اکثریت خواهان حل مسایل افغانستان زیر نظر دولت افغانستان و خواست بر حق ملت افغان میباشدند. سیر حوادث در منطقه ما نیز به نفع مردم افغانستان در انکشاف است. آنچه در این زمان بسیار سرنوشت ساز از اهمیت فوق العاده برخوردار میباشد همانا اتحاد همه لایه ها، اقشار، سازمانهای سیاسی و اجتماعی، اتحادیه ها و در یک کلام همه مردم در راه منافع ملی برای تحکیم حاکمیت ملی و حفظ دستاورد های دیموکراتیک و آزادی های مردم میباشد.

مورخ ۷ اپریل ۲۰۱۹ هلند



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "ارشیف